

فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی
دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام)

سال دهم، شماره ۳۷ (بهار ۱۴۰۰) صص ۷۲-۴۵

علیه السلام

اشراف اطلاعاتی در سیره امام جعفر صادق

■ حبیب زمانی محبوب ■

استادیار گروه تاریخ و تمدن اسلامی، پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)، (نویسنده مسئول)

■ مهدی محمدی ■

استادیار گروه تاریخ اسلام، دانشگاه بین المللی اهل بیت (ع)

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۸

چکیده

اشراف اطلاعاتی یکی از نیازهای اساسی و بنیادین و همچنین، یکی از عوامل موفقیت سازمان‌های اطلاعاتی - امنیتی است. در سیره و سنت معصومان (علیهم السلام) به این موضوع توجه جدی شده است. مسئله این نوشتار الگوی امام صادق (علیه السلام) در چگونگی دستیابی به اشراف اطلاعاتی است. بر این اساس این سوال اساسی مطرح می‌شود که اشراف اطلاعاتی امام صادق (علیه السلام) چگونه و با چه روش‌هایی بوده است؟ نوع پژوهش از نظر هدف توسعه‌ای کاربردی، و از نظر ماهیت، توصیفی تحلیلی است. در گردآوری داده‌ها از روش‌های اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده شده است؛ بدین گونه که با تکیه بر روایات امام صادق (علیه السلام) و بررسی تاریخی سیره و سنت ایشان، شیوه‌ها و روش‌های اشراف اطلاعاتی حضرت استخراج و مورد تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد امام صادق (علیه السلام) برای اشراف اطلاعاتی بر دشمن به روش تدافعی، شناخت دقیق از گستره شیعیان، کتمان اطلاعات برای حفاظت از شیعیان و مهم‌تر از همه تقیه را برای پیشگیری از نشت اطلاعاتی و نفوذ دشمن در دستور کار قرار داد؛ و برای اشراف اطلاعاتی بر دستگاه خلافت عباسی به روش تهاجمی، از نفوذ در دستگاه خلافت، اشراف بر روحیات و خلق و خوی خلفا، اشراف بر جاسوسان خلافت، و راه‌اندازی سیستم و شبکه و کالت بهره بردند.

کلید واژگان: اشراف اطلاعاتی، امام صادق (علیه السلام)، و کالت، نفوذ، تقیه.

مقدمه

در برقراری حکومت اسلامی، نظام‌سازی بر اساس آموزه‌های دین اسلام اهمیت بسیار دارد. الگوی نظام‌سازی نیز بایستی بر اساس مدل اسلام ناب تنظیم گردد. از آنجا که در کنار قرآن، سیره امامان معصوم (علیهم السلام) مهم‌ترین منابع دریافت اسلام ناب هستند و ارائه سیره معصومان (علیهم السلام) دستورالعمل عینی برای سبک زندگی و رفتار منطقی مسلمانان در ابعاد مختلف است، شایسته است سازمان اطلاعاتی و امنیتی نیز با رجوع به سیره و سنت معصومان (علیهم السلام) از آن‌ها الگو بگیرد.

وجود منابع دینی غنی درباره مباحث حفاظتی و اطلاعاتی، به‌ویژه در کتب سیره، ضرورت تحقیق و تتبع محققان را در این زمینه می‌طلبد تا الگوهای اشراف اطلاعاتی مبتنی بر سیره معصومان (علیهم السلام) را بر محور مبانی اسلامی ارائه نمایند. اما تحقیقات و مطالعات کمی در این باره انجام شده است و تحقیقات انجام‌شده نیز توسط محققان آگاه به مباحث اطلاعاتی و امنیتی صورت نگرفته است؛ به‌گونه‌ای که هنوز خلأ مباحث تئوریک در این باره محسوس است.^۱ در واقع، نه متخصصان حفاظتی و امنیتی اشراف عمیق بر منابع دینی دارند که مبانی و اصول رفتار تخصصی خود را کاملاً بر مبنای موازین و مقررات دینی منطبق سازند و به‌طور دقیق از سیره معصومان الگو پذیرند و نه محققان دینی مباحث حفاظتی و امنیتی بر مسائل این حوزه اشراف تخصصی دارند. در نتیجه، تحقیقات انجام‌شده چندان کاربردی نیست و عناصر حفاظتی و امنیتی نمی‌توانند به‌شکل ملموس از نتایج این تحقیقات بهره‌برند. از این رو، ضرورت دارد سیره اطلاعاتی و امنیتی معصومان (علیهم السلام) با رویکردی جدید و کاربردی و زیر نظر کارشناسان موضوعی بررسی و پژوهش شود تا قابلیت الگوپذیری برای عناصر متخصص این حوزه داشته باشد.

سال دهم - شماره (شماره پیاپی ۳۷) - بهار ۱۴۰۰

۱. به‌عنوان مثال، در کتاب ارزشمند الامام الصادق و المذاهب الاربعه، تدوین مرحوم اسد حیدر که به‌راستی دایره‌المعارفی مهم درباره شناخت شخصیت و شرایط زندگی علمی، سیاسی و فرهنگی امام صادق (علیه السلام) است، مطالب اندکی درباره سیره اطلاعاتی امام صادق (علیه السلام) آمده است و فقط در جلد اول، آن‌هم به‌اختصار، به برخی شگردهای امنیتی حضرت اشاره شده است.

این نوشتار موضوع بسیار مهم اشراف اطلاعاتی در سیره امام صادق (علیه السلام) را بررسی می‌کند. امام صادق (علیه السلام) در میان ائمه جایگاهی ویژه دارند. تکیه اصلی شیعه از نظر فکری و عقیدتی بر امام جعفر صادق (علیه السلام) است و بخش وسیعی از احادیث و علوم اهل بیت (علیهم السلام) به دست این امام همام گسترش یافته است. امام صادق (علیه السلام) در مقطعی بسیار مهم از جابه‌جایی قدرت میان امویان (۴۰ تا ۱۳۲ق) و عباسیان (۱۳۲ تا ۶۵۶عق) و نشر و گسترش فرقه‌های شیعی، توانستند شیعه را از تهدید انحراف داخلی و دشمنان بیگانه و مخالف مکتب، حفظ و صیانت نمایند. امام صادق (علیه السلام) برای دست‌یافتن به این هدف ارزشمند، از اشراف اطلاعاتی همه‌جانبه‌ای بهره بردند. بر این اساس، سؤال اساسی تحقیق این است که امام صادق (علیه السلام) چگونه و با چه روش‌هایی به این اشراف اطلاعاتی همه‌جانبه دست یافتند؟ در این میان، برخی سؤال‌های فرعی نیز مطرح می‌شوند که عبارت‌اند از: اوضاع سیاسی و امنیتی دوران امام صادق (علیه السلام) چگونه بود؟ شیعیان و پیروان امام صادق (علیه السلام) در این اشراف اطلاعاتی چه نقشی داشتند؟ امام صادق (علیه السلام) چه اصول و قواعدی در رفتار حفاظتی و اطلاعاتی خود داشتند؟

مبانی نظری پژوهش

پیشینه تحقیق

در تراث دینی توجه ویژه‌ای به سیره اطلاعاتی و حفاظتی معصومان شده است و تحقیقات و مطالعاتی نیز در این زمینه انجام شده است.^۱ در این آثار به مباحثی مانند رهبری تشکیلات پنهانی، آگاه‌سازی حفاظتی، ردیابی کردن، اهمیت و راهکارهای حفظ اسرار، تجسس و روش‌های مقابله با جاسوسی، استفاده از زبان رمز، توریه و دوپهلوی سخن گفتن و... توجه شده است.

۱. علیرضا هدایتی، کتاب‌شناسی اطلاعات و امنیت در اسلام، ج ۲، در فصل هفتم این کتاب با عنوان «اطلاعات و سیره ائمه اطهار» کتاب‌ها و مقالات مرتبط با سیره اطلاعاتی و امنیتی معصومان معرفی شده‌اند. در کتاب موسوعه الاستخبارات و الامن فی الاثار و النصوص الاسلامیه تدوین علی دیموش‌العالمی، که به توصیه وزیر نظر استاد فقید، جعفر مرتضی‌العالمی، انجام شده و در سه جلد به نام دائره‌المعارف اطلاعات و امنیت در آثار و متون اسلامی به فارسی ترجمه شده است، نیز مطالب ارزشمندی درباره اقدامات و روش‌های اطلاعاتی معصومان گرد آمده است.

جدول ۱: پیشینه تحقیق

نویسنده	عنوان	نتیجه و یافته
محمد شبدینی و همکاران (۱۳۹۲)	سیره حفاظتی و اطلاعاتی معصومان (علیهم السلام)	۱. رهبری تشکیلات شیعیان ۲. حفاظت شیعیان ۳. آگاه‌سازی حفاظتی شیعیان ۴. اقدامات عملی، مانند صحنه‌سازی، امحای اسناد، ضد جاسوسی، رمز، نفوذ عوامل، ضد فریب، جنگ روانی، توریه
غلامحسین محرمی (۱۳۹۶)	سیره اطلاعاتی امام صادق (علیه السلام)	۱. عناصر اسراری مکتب شیعه ۲. راهکارهای حفظ اسرار شیعه مانند: کتمان اصول اختصاصی شیعه، پرهیز از افتا به عموم مردم، پوشیده‌نگه‌داشتن نام نیروها، پرهیز از مجادله و دشمن‌تراشی ۳. روش‌های مقابله با توطئه‌های حکومت عباسی: مبارزه منفی، نفوذ، ضد جاسوسی ۴. تأمین امنیت اصحاب ۵. ساماندهی جامعه شیعی
علی اکبر ذاکری خمی (۱۳۹۶)	«سیره اشراف اطلاعاتی امیرالمؤمنین (علیه السلام) در کشف توطئه‌ها»	۱. سخت‌گیری بر توطئه افراد مشکوک که حضرت با تعبیر «مریب» از آن‌ها یاد می‌کند ۲. بهره‌مندی از منابع اطلاعاتی مختلف مانند کارگزاران، نقبا و عرفا ۳. تجسس برای آگاهی از وضعیت دشمن خارجی ۴. استفاده از نیروهای اطلاعاتی یا «عین»

<p>۱. فقدان برنامه‌ریزی مشخص و تشکیلات منظم برای نفوذ در دستگاه خلافت</p> <p>۲. با وجود ارسال افرادی از سوی ائمه برای خبرگیری از دشمن، عمده خبررسانی و کشف توطئه دشمنان نیز به‌صورت داوطلبانه از سوی یاران ائمه بوده است</p>	<p>«سیره اطلاعاتی و ضد اطلاعاتی ائمه معصومین (علیهم‌السلام)»</p>	<p>مصطفی صادقی (۱۳۹۵)</p>
<p>۱. رفتار حفاظتی شامل: خودحفاظتی، تقیه، حفاظت ارتباطات، رعایت اصول حفاظتی، برخورد قاطع با متخلفان، ارشاد مبتنی بر هدایت، حفاظت شخصی، حفاظت عملیات، حفاظت معنوی، نظارت و واپایش، بازدارندگی، آمادگی قبل از تهدید، گزینش کارآمد، آگاه‌سازی تربیتی، پیشگیری مبتنی بر پیش‌بینی، حفاظت گفتار و اسرار، حفاظت اسناد</p> <p>۲. رفتار اطلاعاتی شامل: تشکیلات اطلاعاتی، هدایت اطلاعاتی، مدیریت اطلاعاتی، بصیرت اطلاعاتی، ارتباطات پنهان، اقدام عملیاتی، نظم اطلاعاتی، فریب اطلاعاتی، آینده‌نگری، نفوذ معنوی، تمرکز بر دشمن، تحلیل اطلاعاتی، اخلاق اطلاعاتی، فرصت‌جویی هوشمندانه</p>	<p>«مؤلفه‌ها و شاخص‌های حفاظتی و اطلاعاتی با الگوگیری از سیره امام هادی (علیه السلام)»</p>	<p>مهدی عباس‌زاده و محمدحسین رجبی دوانی (۱۳۹۳)</p>

بررسی پیشینه تحقیق نشان می‌دهد در عمده کتاب‌ها و مقالاتی که درباره سیره اطلاعاتی و امنیتی امامان معصوم (علیهم‌السلام) نگاشته شده است، به برخی راهکارها و راهبردهای اطلاعاتی

معصومان(علیهم السلام) اشاره شده است و موضوع اشراف اطلاعاتی معصومان(علیهم السلام) تاکنون چندان مورد مذاقه قرار نگرفته است. نوآوری مقاله حاضر تبیین اشراف اطلاعاتی در سیره امام صادق(علیه السلام) است که علی‌رغم وجود برخی منابع و متون و تحقیقات پراکنده، به‌طور تفصیلی و مستقل به آن پرداخته نشده است.

روش تحقیق

روش تحقیق پیش‌رو توصیفی‌تحلیلی است و روش گردآوری اطلاعات از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی صورت گرفته است. روش تحقیق توصیفی‌تحلیلی به توصیف و تفسیر وضعیت و روابط یک مسئله می‌پردازد. در این پژوهش پس از تبیین اجمالی تحولات دوران امام صادق(علیه السلام)، با رجوع به منابع دست‌اول، مانند کتب اربعه شیعه، روایات مرتبط با مباحث و موضوعات اطلاعاتی و امنیتی در سیره امام صادق(علیه السلام) احصا شدند. در ادامه، پس از تحلیل و بررسی روایات، چگونگی و شیوه‌های اشراف اطلاعاتی امام صادق(علیه السلام) تبیین گردید.

چهارچوب مفهومی

در این پژوهش با دو متغیر اصلی، اشراف اطلاعاتی و سیره امام صادق(علیه السلام)، روبه‌رو هستیم که در ادامه به توضیح آن‌ها می‌پردازیم.

اشراف اطلاعاتی: اشراف اطلاعاتی فرایندی است متشکل از مجموعه تلاش‌ها و اقداماتی که در اثر اجرای آن، یک سیستم اطلاعاتی احاطه شود و بر روند گذشته، حال و آینده وقایع و حوادث پیرامونی تسلط کامل داشته باشد؛ به‌نحوی که قادر باشد در جهت پیشگیری و مقابله با تهدیدها و آسیب‌پذیری‌های مترتب بر آن و همچنین تولید فرصت‌ها، اقدام به‌موقع را به عمل آورد (جمشیدیان، ۱۳۸۹: ۹). اشراف اطلاعاتی با کسب اخبار و اطلاعات و احاطه بر موضوعات پیرامونی ارتباط داشته و به شکلی دقیق و عمیق، واقعیت‌های عینی و ذهنی را در ابعاد مختلف به‌گونه‌ای روشن به تصمیم‌سازان ارائه می‌دهد.

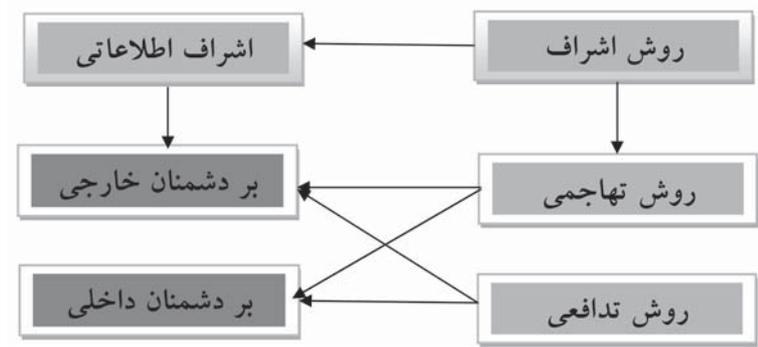
در منابع دینی به موضوع اشراف اطلاعاتی توجه ویژه‌ای شده است. خداوند در سوره نساء آیه ۷۱ خطاب به مسلمانان می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ؛** ای اهل ایمان سلاح‌های جنگی‌تان را

برگیرید [و مراقب باشید]. به گفته علامه طباطبایی، این آیه در زمان فشار دشمنان خارجی (مشرکان مکه) و داخلی (منافقان و یهودیان) بر دولت رسول الله (ص) نازل شده است (طباطبایی، ج ۴، ۱۳۶۴: ۶۶۶) و مسلمانان را به حذر (احتیاط و آمادگی) امر می‌کند که فریب تبلیغات دشمنان داخلی (منافقان و یهودیان) را نخورند و آگاهانه مبارزه خود را ادامه دهند (عزیزان و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۷) تا دشمن بر آنان مسلط نشود. در واقع، در این آیه حذر، به معنای آمادگی کامل است. این آمادگی همان‌گونه که بر برگرفتن اسلحه دلالت می‌کند، بر اقدامات اطلاعاتی امنیتی کامل از وضعیت دشمن نیز دلالت می‌کند (العاملی، ج ۱، ۱۳۷۹: ۱۴۷). بنابراین، احتیاط و هوشیاری در برابر دشمنان داخلی و خارجی به‌عنوان یک الزام همیشگی به مؤمنان توصیه شده (همان، ۱۵۰) که موضوعی قابل درک در همه زمینه‌ها، به‌ویژه در سازمان‌های اطلاعاتی برای رسیدن به اهداف و ایجاد اشراف اطلاعاتی است. در مجموع، اشراف اطلاعاتی منجر به تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری مناسب در حوزه‌های مختلف و رسیدن به اهداف مدنظر می‌شود.

به‌لحاظ روش اقدام، اشراف اطلاعاتی دارای دو رکن اساسی اشراف بر دشمنان داخلی و اشراف بر دشمنان خارجی است که هر کدام روش خاص خود را می‌طلبند. در رکن اول، روش تدافعی، اشراف اطلاعاتی بر آسیب‌های خودی و دشمنان داخلی است که حاصل آن حفظ برتری در حفظ اطلاعات و اقدامات موفقیت‌آمیز ضد جاسوسی است (جمالی، ۱۳۸۹: ۸۸). روش تدافعی اقدام اطلاعاتی که منجر به اشراف اطلاعاتی و به عبارت دقیق‌تر، حفظ و تداوم اشراف اطلاعاتی می‌شود، نوعی اقدام بازدارنده و پیشگیرانه است. اقداماتی چون ضد جاسوسی و حفاظت اطلاعات مجموعه عملیات تدافعی را تشکیل می‌دهند (جمالی، ۱۳۸۹: ۸۹). رکن دوم، روش تهاجمی است که اشراف اطلاعاتی بر دشمنان خارجی است و عمدتاً با روش تهاجمی صورت می‌پذیرد. به بیان دیگر، روش تهاجمی اقدام در حوزه حریف و به‌صورت غافلگیرانه است که پیامد آن حفظ برتری و تسلط در جمع‌آوری است. این روش به‌منظور آگاهی و راه‌یابی به سیستم‌های اطلاعاتی حریف برای حفظ موفقیت‌ها در صحنه نبرد اطلاعاتی و کنترل اقدامات دشمنان به کار گرفته می‌شود. به‌کارگیری انواع شیوه‌های اطلاعات تهاجمی تأثیر بسزا و مستقیمی در اشراف اطلاعاتی یک مجموعه بر اهداف اطلاعاتی مدنظر دارد. در اشراف اطلاعاتی تهاجمی، با افراد مؤثر دشمن برای کسب اطلاعات ارتباط برقرار می‌شود، عملیات نفوذ در مراکز تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر صورت می‌گیرد و از آنچه مسئولان این مراکز در سر می‌پروراند، اطلاع حاصل می‌شود، نگرش و تصمیم‌های مقامات و سیاستمداران

نسبت به خود به دست می‌آید و در عین حال بر نگاه‌های آن‌ها تأثیر می‌گذارد و در راستای حفظ مصالح و موقعیت خود و منحرف کردن دشمن، به فریب اطلاعاتی متوسل می‌شود.

سیره: این واژه به لحاظ معنای سبک، سلوک و رفتار آمده است (ابن منظور، ج ۴، ۱۴۰۵: ۳۹۸؛ دهخدا، ۱۳۷۲، ذیل واژه سیرت). به گفته حاجی خلیفه، سیره عملکرد و روش زندگی بزرگان است (حاجی خلیفه، ۱۰۱۲). سیره در اصطلاح، به طور خاص، به اخبار حوادث و رویدادهای دوران رسول اکرم (ص) از ولادت تا وفات ایشان اطلاق می‌شود؛ اما به طور عام و در معارف اسلامی و شیعی، به معنای نوع و سبک زندگی شخصی و اجتماعی پیامبر (ص) و امامان معصوم (علیهم السلام) است (مطهری، ۱۳۸۹: ۴۹). در این پژوهش علاوه بر فعل (سیره عملی) معصومان (علیهم السلام)، قول و تقریر (سیره نظری) آن‌ها نیز مدنظر است. از آنجا که پیامبر (ص) و ائمه بهترین الگو و اسوه برای مسلمانان محسوب می‌شوند (احزاب، ۲۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱)، الگوگیری از آنان عمل به سیره ایشان است.



تحولات شرایط امنیتی دوران امام جعفر صادق (علیه السلام)

از آنجا که اشراف اطلاعاتی بستگی به شرایط امنیتی محیط و بازیگران تهدید و انواع تهدیدهای خارجی و داخلی دارد، ابتدا شرایط سیاسی امنیتی دوران امام صادق (علیه السلام) به اختصار تبیین می‌شود. امام صادق (علیه السلام) در سال ۸۳ هجری در شهر مدینه به دنیا آمدند. ایشان در سال ۱۱۴ هجری به امامت رسیدند و طولانی‌ترین مدت امامت (حدود ۳۴ سال) را نسبت به سایر ائمه داشتند. امامت امام صادق (علیه السلام) در دو دوره بنی‌امیه (۴۱ تا ۱۳۲ق) و بنی‌عباس (۱۳۲ تا ۶۵۶ق) قرار داشت. هجده سال اول امامتشان (۱۱۴ تا ۱۳۲ق) در دوره بنی‌امیه و شانزده سال (۱۳۲ تا ۱۴۸ق) در دوره بنی‌عباس بود. در دوران بنی‌امیه به دلیل مشکلات سیاسی و ضعف خلافت امویان

و قیام‌های همه‌جانبه ضد اموی، مبارزه امام صادق (علیه السلام) نیز نسبتاً آشکار بود و آن حضرت محتاج پرده‌پوشی، تقیّه و کتمان نبودند. حضرت در این هجده سال برای بازپس‌گیری حکومت و قدرت، مبارزه دامنه‌داری را پیگیری می‌کردند تا بنی‌امیه را از میان ببرند و حکومت علوی، همان حکومت راستین اسلامی را بر سر کار بیاورند؛ اما در دوران بنی‌عباس، به‌ویژه از دوران خلیفه منصور دوانیقی (۱۳۶ تا ۱۵۸ق)، اوضاع به‌طور کلی تغییر کرد و مبارزه امام به‌صورت مخفیانه‌تری انجام می‌گرفت (خامنه‌ای، ۱۳۹۳: ۳۱۱ تا ۳۱۴). طبق گزارش منابع اولیه، خلیفه منصور جاسوسانی برای کشف ارتباط امام با شیعیان و افشا کردن فعالیت‌های آن‌ها به کار گماشت (راوندی، ۱۴۰۹: ۷۲۱). خفقان دوران منصور عباسی به‌گونه‌ای بود که جاسوسان منصور در مدینه کسانی را که با شیعیان امام صادق (علیه السلام) رفت‌وآمد داشتند، گردن می‌زدند (کلینی، ج ۱، ۱۴۰۷: ۳۵۱). در این دوره اتهام رَفْض درباره هر کس، کافی بود که امنیت جانی و مالی او از بین رفته و گرفتار شکنجه شود (برقی، ۱۳۷۰ق: ۱۱۹). به دستور منصور عباسی، مُعْتَب از غلامان امام صادق (علیه السلام) را گرفتند و هزار ضربه شلاق بر او زدند تا آنکه زیر همین ضربات جان داد (طبری، بی‌تا: ۶۵۲). دوره‌ای که امام صادق (علیه السلام) در حکومت عباسی پشت‌سر گذراندند، دوره‌ای بسیار خطرناک بود. از یک‌سو، خلفای عباسی در صورت شک‌نمودن به هر شخصی از هر شکنجه و قتل‌آبایی نداشتند؛ از سوی دیگر، در این دوره دو موج وحشت پدید آمد: نخست، موج پاک‌سازی حکومت و جامعه از عناصر اموی که هر نوع پیوند و شک به پیوند با امویان را به مسلخ می‌کشاند؛ دوم، موج وحشت از عناصر خائن به قیام عباسی که طی آن تعداد زیادی از صاحب‌منصبان عباسی و طرف‌دارانشان به قتل رسیدند. در کنار این قیام‌های متعدد شیعیانی مانند زید بن علی، یحیی بن زید، عبدالله بن محض و فرزندانش که پیوند خویشی نزدیکی با امام صادق (علیه السلام) داشتند، شک‌ها را درباره دخالت امام (علیه السلام) در این موارد بیشتر می‌نمودند. در این اوضاع آشفته سیاسی امنیتی کنش‌های امام صادق (علیه السلام) در قبال تلاطم‌های اجتماعی مبتنی بر اشراف اطلاعاتی بود که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

اشراف اطلاعاتی به روش تدافعی

۱. اشراف اطلاعاتی از گستره یاران و شیعیان خود

آگاهی درست و دقیق از وجود یاران وفادار و میزان همراهی آن‌ها یکی از شرایط موفقیت یک رهبر در اجرای برنامه‌های خویش است.

امام صادق (علیه السلام) اشراف کاملی بر طرفداران خود داشتند و مداوم آن‌ها را رصد می‌کردند تا در صورت وجود یاران وفادار به مبارزه با حاکمیت برای استقرار نظام ولایی اقدام نمایند. بر این اساس، امام صادق (علیه السلام) شیعیان خود را خوب می‌شناختند و می‌دانستند که بیشتر آن‌ها محب اهل بیت بودند و (همانند شیعه امامیه) اعتقاد قلبی عمیق به امام نداشتند^۱ و حاضر نبودند در هر موقعیتی گوش به فرمان امام باشند و اوامر ایشان را اطاعت کنند. به‌طور نمونه، امام در پاسخ به «سهل بن حسن خراسانی» که به همراه صد هزار شمشیرزن آماده به رکاب، برای قیام اجازه می‌خواست، دستور دادند تنور خانه را روشن کنند. آنگاه فرمودند: خراسانی، برخیز و در تنور بنشین! خراسانی گفت: آقای من، مرا با آتش مسوزان و از من بگذر! آن حضرت فرمودند: گذشتم. در این حال، «هارون مکی» که کفش‌های خویش را به دست گرفته بود، وارد شد و سلام کرد. امام فرمودند: هارون، کفش‌های خود را زمین بگذار و داخل تنور بنشین. هارون بدون معطلی وارد تنور شد. امام صادق (علیه السلام) با سهل بن حسن خراسانی مشغول صحبت شدند. مدتی بعد، امام به او فرمودند: برخیز و به داخل تنور نگاه کن! خراسانی می‌گوید، برخاستم و به داخل تنور نظر افکندم. هارون در داخل تنور چهارزانو نشسته بود. مدتی بعد او از تنور بیرون آمد و به ما سلام کرد. امام فرمودند: در خراسان چند نفر مثل این مرد دارید؟ خراسانی گفت: به خدا قسم یک نفر هم نیست. امام فرمودند: «بدان! ما هنگامی که پنج نفر یاور و پشتیبان نداشته باشیم قیام نمی‌کنیم. ما نسبت به زمان قیام داناتریم» (ابن شهر آشوب، ج ۴، ۱۳۷۹ق: ۲۳۷؛ مجلسی، ج ۴۷، ۱۴۰۳ق: ۱۲۳ و ۱۲۴).

۱. وسعت جریان تشیع و پراکنده بودن اصحاب امام صادق (علیه السلام) به‌طور طبیعی ناهماهنگی‌هایی به همراه داشت و سبب می‌شد نتوانند تفکر و اندیشه خود را در یک زاویه صحیحی قرار داده و تمامی معارف دینی خود را از سرچشمه اصلی دریافت کنند و همین عامل سبب ضعف اعتقادی آن‌ها می‌شد و لذا تشیع آنان به معنای تشیع امامی نبود (جعفریان، ۱۳۹۱: ۴۰۰ و ۴۰۴).

امام صادق (علیه السلام) در پاسخ به درخواست «سُدیر بن حکیم صیرفی» هم که گفت با وجود صد تا دو بیست هزار یاور چرا قیام نمی کنید، همین جواب را دادند. سُدیر گوید: به درخواست امام راهی سرزمین «یَنْبُع» شدیم. امام در میان راه چشمشان به جوانی افتاد که چند بزغاله را می چراند. فرمودند: اگر تعداد شیعیان من به عدد این بزغاله ها بود از قیام و نهضت باز نمی ایستادم. سُدیر می گوید: بزغاله ها را شمارش کردم. هفده رأس بودند (کلینی، ج ۲، ۱۴۰۷ ق: ۱۹۰؛ مجلسی، ج ۴۷، ۱۴۰۳ ق: ۳۷۲). عدم پاسخ گویی امام صادق (علیه السلام) به پیشنهاد خلافت و همراهی با ابومسلم خراسانی و ابوسلمه خَلَّال (دو تن از مهره های اصلی قیام عباسیان) نشان دهنده اشراف اطلاعاتی حضرت بر همه افرادی است که با تحلیل های خود می کوشیدند برای حضرت تصمیم سازی کنند. ابومسلم خراسانی پس از مرگ «ابراهیم امام» (رهبر عباسیان) به امام صادق (علیه السلام) پیشنهاد قبول بیعت کرد و طی نامه ای از ایشان خواست خلافت را بر عهده گیرند. امام صادق (علیه السلام) در نهایت هوشیاری پاسخ دادند: «نه تو از یاران منی و نه زمانه، زمانه من است» (شهرستانی، ج ۱، ۱۴۰۲ ق: ۱۵۴). امام صادق (علیه السلام) در جواب پیک نامه ابوسلمه نیز فرمودند: «مرا با ابوسلمه که شیعه دیگران است، چه کار؟!» و حتی حاضر نشدند نامه را بخوانند و نامه را بر آتش چراغ نهادند و آن را سوزاندند (ابن طقطقی، ۱۳۶۷: ۲۰۸). حتی هنگامی که پرچم های پیروزی عباسیان به اهتزاز درآمده بود، ابوسلمه برای بار دوم به امام (علیه السلام) نامه نوشت: «هفتاد هزار نفر جنگجو در رکاب ما آماده هستند، اکنون موضع خود را روشن کنید» و امام صادق (علیه السلام) همان جواب قبلی را تکرار کردند (مجلسی، ج ۴۷، ۱۴۰۳ ق: ۱۳۳). پاسخ های امام صادق (علیه السلام) نشان می دهد که ایشان اشراف اطلاعاتی کاملی بر پایگاه اجتماعی خود و طرفداران آماده برای یک قیام موفق داشتند. در واقع، تصمیم ایشان بر تبدیل نکردن مبارزه سیاسی نرم با حکومت به مبارزه و قیام برای استقرار نظام اسلامی دقیقاً نشان از اشراف اطلاعاتی ایشان از وضعیت نگرشی و روحی طرفداران خویش دارد.

۲. کتمان اطلاعات برای حفاظت شیعیان

یکی از شیوه های امام صادق (علیه السلام) برای حفاظت و مصونیت جان شیعیان از گزند دستگاه خلافت عباسی، کتمان اطلاعات در برابر دشمن بود. این امر مبارزه اطلاعاتی پیچیده ای را به وجود آورد که حتی نزدیک ترین یاران امام صادق (علیه السلام) را دچار تردید نمود؛ در حالی که امام (علیه السلام) به علت اوضاع بحرانی آن دوران نمی توانستند علت کنش های خود را برای آن ها توضیح دهند. در روایتی آمده ابان بن تغلب و ابوبکر خضرمی، که از یاران اصلی امام (علیه السلام) به شمار می رفتند، درباره قیام از امام (علیه السلام)

سؤال پرسیدند. حضرت در پاسخ به آنها فرمودند: «در خانه‌های خود بنشینید و هنگامی که مشاهده کردید ما بر روی شخصی اتفاق کردیم، آنگاه با سلاح‌های خود به ما بیونیدید» (مجلسی، ج ۴۷، ۱۴۰۳ق: ۱۳۳). این سؤال زمانی مطرح شده که پرچم‌های سیاه قیام عباسیان از خراسان برافراشته شد؛ در حالی که شعار اصلی آنها «الرّضا من آل محمد» بود.^۱

حتی در زمان‌هایی امام (علیه السلام) مرزهای کتمان اطلاعات را جلوتر می‌بردند و در مجامعی از یاران خود بد می‌گفتند؛ چنان‌که درباره مُفَضَّل بن عمر جعفی، که از یاران خاص و محرم اسرار ایشان به‌شمار می‌رفت، احادیثی در دست است که امام ذم او را گفته‌اند. این مسئله برای سایر یاران امام (علیه السلام) مانند زُرّاره بن اعین نیز تکرار شد. با آنکه امام صادق (علیه السلام) زراره را از سابقین و مقربین خویش می‌شمردند و گاهی زحمات او را ارج نهاده و می‌فرمودند: «اگر زراره نبود، احادیث پدرم منتفی می‌شد» (طوسی، ۱۴۰۶ق: ۹۰؛ مفید، ۱۴۱۳ق: ۶۶)؛ در مواقعی دیگر از زراره برائت می‌جویدند. انگیزه این امر حفاظت و امنیت بیشتر این یاران خاص بود؛ زیرا با فشارهای دستگاه بنی‌عباس بر امام (علیه السلام) و یارانشان، گاه ایشان مجبور بودند نزدیک‌ترین افرادشان را متهم کنند تا آنان را از مرگ و نابودی به دست دشمنان برهانند. این راز احادیثی است که در ذم اصحابی رسیده که عدالت و وثوق آنها جای هیچ شکی ندارد. امام صادق (علیه السلام) به عبدالله بن زراره بن اعین می‌گوید: «به پدرت سلام برسان و به او بگو اگر سخنی علیه تو می‌گویم بدان که برای دفاع از توست؛ زیرا دشمن هر آنچه را که ما ستایشش می‌کنیم، دنبال کرده و اذیت می‌کند ... بدین وسیله تو پیش مردم مذموم بوده و جلب توجه نمی‌کنی و در نتیجه از شر آنان در امان می‌مانی» (طوسی، ۱۴۰۶ق: ۱۳۶).

۳. به‌کارگیری تقیّه برای پیشگیری از نشت اطلاعاتی و نفوذ دشمن

از دیگر شیوه‌های تدافعی امام صادق (علیه السلام) برای اشراف اطلاعاتی بر دشمن، تقیّه بود. در مکتب اهل‌بیت، تقیّه راهبردی مبارزاتی در رویارویی با دشمن است، نه پشت به دشمن کردن و دست از مبارزه کشیدن (ملک‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۴۸). تقیّه مهم‌ترین عامل حفظ جان شیعیان و رخنه افراد

۱. با قدرت‌گرفتن عباسیان، یافتن شیعیان واقعی از میان توده‌هایی که با اغراض گوناگون شعار «الرّضا من آل محمد» سر می‌دادند کار بسیار دشواری بود؛ به حدی که اصحاب امام (علیه السلام) نیز به‌درستی توانایی تشخیص شیعه واقعی را از سایرین را نداشتند. اما امام (علیه السلام) به‌ناچار باید بر شیعیان خود و کنش‌های آنان اشراف اطلاعاتی می‌داشتند تا بتوانند برای برنامه‌های آینده طرحی دقیق داشته باشند.

نفوذی در دستگاه دشمن بود. اگر تقیّه نبود هیچ‌گاه نفوذ شیعه به دستگاه خلافت عباسی تحقق نمی‌یافت؛ بلکه به‌عکس، دشمن در شبکه ارتباطی شیعه نفوذ می‌کرد.

امام صادق (علیه السلام) در دورانی که با بنی‌امیه مصادف بود، مبارزه آشکار داشتند و چندان از راهبرد تقیّه استفاده نمی‌کردند (خامنه‌ای، ۱۳۹۳: ۳۱۲). با سقوط خلافت امویان و با به‌قدرت‌رسیدن عباسیان، دورانی از وحشت برای هر کس که مخالف آن‌ها بود، پدید آمد؛ از این رو، تقیّه یکی از سلاح‌های مهم امام صادق (علیه السلام) برای حفظ جان شیعیان بود. در این دوره به‌دلیل مراقبت‌های شدیدی که از طرف دستگاه خلافت اعمال می‌شد، کسی جز با مخفی‌کاری و تقیّه نمی‌توانست با امام رابطه برقرار کند و اگر کسی رابطه‌اش آشکار می‌شد، سرانجامی جز مرگ یا زندان ابد نداشت.

با تشدید اختناق دوران عباسی، امام صادق (علیه السلام) از این شیوه برای اشراف بیشتر بر دشمن و حفظ اسرار و پیشگیری از نفوذ عاملان و مأموران بنی‌عباس در شبکه مبارزاتی‌شان بهره بردند. چنان‌که پیش‌تر گفته شد، امام صادق (علیه السلام) در مقطعی زندگی می‌کردند که خلافت تازه‌تأسیس عباسی در پی تصفیه‌های خونین خود، هر حرکت مخالف یا ظن به مخالفت با خود را با شمشیر از بین می‌برد. بدین ترتیب، تقیّه و پنهان‌نگه‌داشتن اطلاعات از دشمن، اعم از اطلاعات شیعیان، راه‌های ارتباطی آن‌ها با امام (علیه السلام)، مسائل عقیدتی و برنامه‌های تشیع برای آینده، از مهم‌ترین کارهای امام صادق (علیه السلام) بود.

به‌نظر می‌رسد «حفظ اسرار» از مهم‌ترین دلایل تقیّه بوده است. امام صادق (علیه السلام) به حفظ اسرار بسیار اهمیت می‌دادند. حضرت در احادیث متعدد تأکید می‌کنند شیعیان در حفظ اسرار احتیاط کنند و هر کسی را از اسرارشان آگاه نکنند. ایشان به نقل از پدرشان، امام باقر (علیه السلام) می‌فرمایند: «با انسان هرزه معاشرت نکن و او را از اسرار خود آگاه مساز» (مجلسی، ج ۷۱، ۱۴۰۳: ۱۹۶). در حدیث دیگری می‌فرمایند: «با سه گروه برخورد همراه با احتیاط داشته باش: خائن، ستمگر و سخن‌چین؛ زیرا کسی که به نفع تو خیانت کرد، به تو هم خیانت می‌کند و کسی که به‌خاطر تو ستم نمود، به تو هم ستم خواهد کرد و کسی که نزد تو سخن‌چینی کرد، درباره تو نیز نزد دیگران سخن‌چینی می‌کند» (مجلسی، ج ۷۵، ۱۴۰۳: ۲۲۹). حفظ اسرار چنان اهمیتی برای امام صادق (علیه السلام) دارد که در حدیثی می‌فرمایند: «به خدا قسم دوست دارم به‌خاطر دو ویژگی که در شیعیان ماست مقداری از گوشت مچ دستم را فدا کنم: اول فروبردن خشمشان، دوم پوشاندن و مخفی‌داشتن اسرار محرمانه‌ای که از آن آگاهی دارند» (مجلسی، ج ۷۲، ۱۴۰۳: ۷۱ و ۷۲). در سیره امام صادق (علیه السلام) مخفی‌نگه‌داشتن

اطلاعات و حفظ اسرار چنان اهمیت دارد که ایشان به شیعیان سفارش می‌کردند حتی دوستانشان را نیز از اخبار و اسرار محرمانه باخبر نسازند، چون روزی همین دوستان ممکن است دشمن شوند (نک: العاملی، ج ۳، ۱۳۷۹: ۳۲۶). امام به مُعَلَّى بْنِ حُنَیْس می‌فرمایند: «ای معلی اسرار ما را نهان دار و فاش مکن؛ زیرا هر کس امر ما را پنهان کند و فاش نکند، خداوند او را در دنیا عزیز کند و عزتش را در آخرت به صورت نوری پیش رویش قرار دهد که او را به سوی بهشت می‌کشاند...، ای معلی تقیه دین من و دین پدرانم است، هر کس تقیه نکند، دین ندارد» (طبرسی، ۱۳۸۵: ۴۰). حضرت در حدیث دیگری به سرزنش فاش‌کنندگان اسرار آل محمد می‌پردازد و می‌گوید: «هر کس چیزی از اسرار ما را علیه ما فاش کند مانند کسی است که ما را عمداً گشته باشد، نه از روی خطا» (مجلسی، ج ۷۲، ۱۴۰۳: ۸۵) و در بیانی دیگر فرمودند: «به خدا قسم این‌ها پیامبران را با شمشیرهای خود نکشتند، بلکه اسرار آن‌ها را فاش کردند و موجب گشته شدن آن‌ها شدند» (فیض کاشانی، ج ۵، ۱۴۰۹: ۹۴۶). بدین ترتیب، خطر جانی که امام (علیه السلام) و شیعیان را تهدید می‌کرد، آشکارا بیان شده است. این مسئله سبب شد تا امام (علیه السلام) هنگام آموزش یاران خود، تقیه را از مهم‌ترین ارکان اعتقادی قرار داده و با کنترل اخلاقی و وجدانی، شیعیان را از افشای احادیث و اطلاعات خود منع کنند.

درباره نحوه استفاده از تقیه و میزان گستردگی حیطه آن نیز سخن صریحی به میان نیامده است، بلکه در مواردی معصوم دست شیعیان خود را در تقیه بسیار باز گذاشته‌اند؛ چنان که امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «مورد تقیه هنگام اضطراب و ناچاری است و تقیه‌کننده خود دانایان را به مورد تقیه است زمانی که گرفتار آن می‌شود» (اشعری قمی، ۱۴۰۸: ۷۳). همچنین درباره حیطه آن فرمودند: «کسی که تقیه نداشته باشد دین ندارد، و تقیه از آنچه مابین آسمان و زمین است، گسترده‌تر است» (شعیری، بی‌تا: ۹۶). این روایت به خوبی حیطه پنهان‌کاری را نشان می‌دهد. این امر از اعتقادات دینی و سیاسی تا مباحث مالی و خانوادگی را شامل می‌شد. با این حال، امام (علیه السلام) یاران خود را از حرکت‌های بی‌حساب باز می‌داشتند و کظم غیظ را لازمه تقیه می‌شمردند. امام صادق (علیه السلام) در توصیه‌ای به ابنِ مُسْکَن فرمودند: «به گمانم که هر گاه در پیش رویت کسی به علی (علیه السلام) دشنام گوید و تو قدرت داشته باشی، بینی آن دشنام‌دهنده را از بیخ قطع می‌کنی. گفتم: آری به خدا فدایت شوم، من و خانواده‌ام این‌چنین هستیم. فرمود: این کار را نکن، به خدا قسم چه بسیار شنیدم که کسی به علی (علیه السلام) دشنام می‌داد؛ در حالی که بین من و او فقط ستونی بیش فاصله نبود و من خودم را پشت آن پنهان می‌نمودم، و هر

گاه نماز را تمام می‌کردم، از کنار او می‌گذشتم و بر او سلام می‌دادم و با او مصافحه می‌نمودم» (طبرسی، ۱۳۸۵ق: ۴۲). یکی از روش‌های تقیه واقع‌نمایی اختلاف در بین طرف‌داران به‌عنوان عملیات فریب از سوی امام بود. امام صادق (علیه السلام) برای نشان‌دادن اختلاف میان شیعیان، در خصوص یک موضوع، احکام متفاوتی صادر می‌نمودند؛ چنان‌که سالم بن حذیفه می‌گوید: «من نزد امام صادق (علیه السلام) بودم که شخصی آمد و پرسید: بسا داخل مسجد می‌شوم، در حالی که بعضی اصحاب ما نماز ظهر و بعضی دیگر نماز عصر می‌خوانند. امام فرمودند: «من به آن‌ها دستور دادم که عده‌ای نماز ظهر بخوانند و در همان زمان، عده دیگر نماز عصر بخوانند؛ زیرا اگر یکسان عمل کنند، شناخته شده و دستگیر خواهند شد»» (حر عاملی، ج ۴، بی‌تا: ۱۳۷). از دیگر نمونه‌های این اختلاف، می‌توان به اختلاف در رکعت‌های نماز مستحبی (اعداد النوافل) اشاره کرد که زراره آن را ۲۷ رکعت (همان، ۵۹) و ابوبصیر ۳۴ رکعت می‌داند (همان، ۵۷). خود امام فلسفه این اختلاف را چنین بیان می‌دارند: «کسی که میان شما تفرقه افکند، رهبر شماست که خداوند او را پیشوای خلق قرار داده است و او به مصلحت مردم آگاه‌تر است و اگر بخواهد، می‌تواند میان شما تفرقه اندازد تا سالم بمانید و سپس میانتان وحدت برقرار نماید تا از فساد و ترس دشمن ایمن باشید» (طوسی، ۱۴۰۶ق: ۱۳۸). اهمیت پنهان‌کاری در دوران پرخطر عباسی سبب شد امام (علیه السلام) برای جلوگیری از نشت اطلاعاتی، درباره یاران خود نیز دست به گزینش‌هایی بزنند. یکی از موارد بسیار مهم برای انتخاب یاران و میزان نزدیکی آن‌ها به خود، تقیه آن‌ها بود. از این رو، امام صادق (علیه السلام) می‌فرمودند: «از پیروان علی (علیه السلام) به حساب نمی‌آید کسی که تقیه که تقیه نکند» (مجلسی ج ۷۲، ۱۴۰۳: ۴۱۲). این مرزبندی صریح موجب می‌شد تا تشخیص خیانت‌کاران برای اقلیت تحت تعقیب تشیع آسان‌تر شود. همچنین، این روش سبب گردید تا شیعیان از افرادی که اطلاعات اهل‌بیت (علیهم السلام) را منتشر می‌نمودند، دوری نموده و زمینه‌های ورود عوامل نفوذی را کمتر نمایند.

تقیه و روش ماهرانه امام صادق (علیه السلام) در معرفی جانشین خود نیز، به‌لحاظ رعایت مسائل امنیتی و اطلاعاتی، حائز توجه بسیار است. امام صادق (علیه السلام) در ترکیبی عجیب پنج نفر را به جانشینی خود برگزیدند: همسرشان حمیده، پسرشان عبدالله (معروف به اَفطَح)، پسر دیگرشان موسی (علیه السلام)، محمد بن سلیمان والی بنی‌عباس در مدینه و خلیفه منصور دوانیقی (کلینی، ج ۱: ۳۱۰). وقتی منصور خبر وفات امام صادق (علیه السلام) را شنید، به والی خود در مدینه، محمد بن سلیمان،

نوشت: اگر جعفر فرد مشخصی را برای جانشینی خود معین کرده، او را بخوان و گردنش را بزن. سلیمان در پاسخ نوشت: ایشان پنج جانشین دارد، کدام یک را بکشم؟ بدین ترتیب امام با این وصیت خردمندانه جانشین حقیقی خود، امام موسی کاظم (علیه السلام) را بر منصور پوشیده داشتند و وی را از گزند دشمن حفظ کردند (مدرسی، ۱۳۷۸: ۱۸۲ و ۱۸۳).

اشراف اطلاعاتی به روش تهاجمی

۱. نفوذ در دربار خلافت عباسی

سخت‌گیری بیش از اندازه دشمن و شناسایی و قتل برخی وکلا و شیعیان امام (علیه السلام)، ایشان را به توسعه اشراف اطلاعاتی به روش تهاجمی واداشت تا از سوی حکومت غافلگیر نشوند. این امر در قالب نیروهای نفوذی امام در حکومت بنی‌عباس پدید آمد.

نفوذ در دستگاه‌های حفاظتی و امنیتی و اطلاعاتی دشمن، از مهم‌ترین روش‌های اشراف اطلاعاتی است. نیروهای نفوذی شاخه‌ای از اطلاعات جاسوسی در حریم دشمن خارجی به حساب می‌آیند که نقش بسیار مهمی در جمع‌آوری اطلاعات و اخبار دشمن دارند (العاملی، ج ۳، ۱۳۷۹: ۱۲). این موضوع به حدی اهمیت دارد که با آنکه پذیرش مسئولیت در دستگاه حاکمان ستمگر و کمک به آنها حرام است (نک: خوئی، ج ۱، ۱۳۷۷: ۴۳۶)، این حرمت به‌طور مطلق نیست و با شرایطی این اقدام جواز و مشروعیت می‌یابد: از جمله برای یاری‌رساندن و کمک به مؤمنان، جلوگیری از خسارت به مؤمنان و آزادی اسیران آنها، اهداف امنیتی و حفاظتی (مانند جمع‌آوری اطلاعات جاسوسی از تشکیلات و نقشه‌های دشمن)، خنثی کردن توطئه‌های دشمن و خرابکاری در درون تشکیلات دشمن (نک: العاملی، ج ۱، ۱۳۷۹: ۳۱۰ تا ۳۱۵). رعایت این اهداف بسیار مهم بود و باید کسانی انتخاب می‌شدند که می‌توانستند این اهداف را محقق سازند. به‌لحاظ امنیتی نیز این روش بسیار دشوار و پرخطر است؛ لذا دقت و هوشیاری دوجندانی را می‌طلبد و فقط افراد قوی و آگاه به مسائل حفاظتی و امنیتی می‌توانند از عهده آن برآیند. این افراد هم باید لو نمی‌رفتند و جان خود را حفظ می‌کردند و هم باید اسیر زر و مقام‌های دنیایی نمی‌شدند و هم می‌توانستند با ظرافت، اخبار را به امام (علیه السلام) برسانند. نکته مهم آنکه اگر نیروی اطلاعاتی تمام این شرایط را نیز

داشت، باز باید به اجازه امام به نفوذ در دستگاه دشمن مبادرت می‌ورزید^۱ و کسی اجازه فعالیت خودسر در این زمینه را نداشت؛ به طوری که حضرت یکی از یارانشان به نام عذافر را که بدون اجازه با خلافت عباسی همکاری و تعامل کرده بود، توبیخ و بازخواست کردند (کلینی، ج ۵، ۱۴۰۷ق: ۱۰۵). این رفتار حضرت باید سرمشق تمام عناصر حفاظتی و امنیتی باشد که هر نوع عمل خودسر در این حوزه مردود است و رعایت سلسله مراتب و کسب اجازه مافوق امری لازم است.

در دوران خلافت عباسی امکان نفوذ در امور حکومتی تا حدودی برای شیعیان فراهم شد و برخی شیعیان وارد حکومت شدند. این نفوذ به حدی بوده است که از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که فرمودند: «هیچ حاکم جباری نیست، مگر اینکه در دربار او یکی از دوستان ما مشغول کار است و خدای متعال به وسیله او از پیروان ما دفاع می‌کند. این چنین اشخاصی بیشترین ثواب را نزد خدا دارند» (مجلسی، ج ۷۲، ۴۰۳ق: ۳۳۹). از فواید این اقدام آگاهی از تصمیمات دستگاه خلافت علیه شیعه و مبارزه با آن بود (ذاکری، ۱۳۹۸: ۱۰۲). مجوزی که از طرف معصومان برای این همکاری داده شده، با هدف اشراف اطلاعاتی بر دستگاه خلافت در راستای کمک به شیعیان و جلوگیری از ستم حکومت به مردم متدین بود (کلینی، ج ۵، ۱۴۰۷ق: ۱۱۰ تا ۱۱۲). نفوذ در سیستم اجرایی خلافت با وارد کردن افراد مطمئن بوده است. این افراد کسانی بودند که هم دستگاه خلافت عباسی به آنان اعتماد کامل داشت و هم مورد وثوق امام بودند.^۲ امام صادق (علیه السلام) به لحاظ حساسیت موضوع و حفاظت اطلاعات، به افراد اندکی اجازه ورود به دستگاه خلافت را دادند. ربیع بن یونس و محمد بن عبیدالله اسکندری (از حاجبان و ندیمان منصور عباسی)، یحیی بن علاء کوفی رازی (قاضی ری)، عبدالله بن سنان (خزانه‌دار منصور) و ابوبکر بن ابی سماک (کارگزار بیت‌المال کوفه) از جمله افراد نفوذی در دربار خلافت در عصر امام صادق (علیه السلام) بودند (ابونعیم اصفهانی، ج ۳، ۱۴۰۹ق: ۲۰۱؛ ابن طاووس، ۱۳۸۰: ۱۸۷). شاخص‌ترین این افراد عبدالله بن نجاشی بود. وی ابتدا بر مذهب زیدی بود (شیخ طوسی، ۱۴۰۶ق، ۳۴۲). زیدیان به خاطر همراهی مقدماتی با عباسیان علیه

۱. طبق نقل منابع، برخی شیعیان از جمله حسن بن حسین انباری، چهارده سال در انتظار صدور اجازه امامان برای ورود به دستگاه خلافت بودند یا اینکه امام صادق (علیه السلام) درخواست داوود زربی را نپذیرفت که مصر بر برعهده گرفتن شغل در دستگاه حکومت بنی‌عباس بود (کلینی، ج ۵، ۱۴۰۷ق: ۱۱۱).

۲. در کتاب وسائل الشیعه بابی در این باره اختصاص یافته است (حر عاملی، ج ۱۲، بی تا: ۱۳۹).

بنی‌امیه، مناصبی در حکومت عباسی تصاحب نمودند. عبدالله بن نجاشی در زمان منصور، والی اهواز شد (نجاشی، ۱۳۶۹: ۲۱۳). اما گرایش وی به مذهب جعفری پیش از منصب‌گرفتن وی صورت پذیرفت. او در مدتی که بر مذهب زیدی بود از عبدالله بن حسن (علیه السلام) پیروی می‌نمود. لیکن پس از آشنایی با امام صادق (علیه السلام) مذهب جعفری را برگزید و مرید امام (علیه السلام) گشت (صادق، ۱۳۹۰: ۵۷). این ارادت عبدالله سبب گردید تا امام (علیه السلام) بتوانند هم از اخبار داخل دستگاه عباسی آگاهی یابند و هم منافع شیعیان را تأمین نمایند.

هنگامی که عبدالله بن نجاشی به امارت اهواز رسید، بلافاصله نامه‌ای برای امام (علیه السلام) فرستاد و از حضرت درباره حدّ و مرز کارهایش، مصلحت اقداماتش، مصرف زکات و افرادی که باید با آنها مأنوس باشد و رازهایش را در میان گذارد، استعلام کرد (شهید ثانی، ۱۳۹۰: ق: ۸۵؛ بروجردی، ج ۲۲، ۱۴۲۲: ۶۰۳). امام صادق (علیه السلام) در پاسخ به درخواست نجاشی نامه مفصلی نوشتند که برای دولتمردان اسلامی بسیار مهم و آموزنده است.^۱ پاسخ امام (علیه السلام) به نامه عبدالله شامل این نکات است: این منصب از آن جهت که منافع شیعیان را تأمین کند و بتواند امام (علیه السلام) را زودتر از تحرکات خلیفه علیه شیعیان آگاه نماید، سودمند است. در عین حال امام (علیه السلام) متذکر می‌شوند که در این منصب باید حامی شیعیان بوده و تا می‌تواند رازهای شیعیان و امام (علیه السلام) را محفوظ بدارد. برای این منظور امام (علیه السلام) روش‌هایی را به وی توصیه نمودند که جان عبدالله را از دسیسه حکومت مصون دارد؛ از جمله توصیه نمودند: «...با دوری از شتاب‌زدگی و معاشرت و برخورد نیک همراه با نرمی خالی از ضعف و ناتوانی و شدت و سخت‌گیری بدون اجبار و زور و مدارا با خلیفه و فرستادگانش...» رفتار نماید. امام (علیه السلام) متذکر می‌شوند که با سیستم امن و کلا در ارتباط بوده و با هر کسی که اخباری را به وی منتقل نمود، ارتباط نگیرد؛ به‌خصوص با مردم بومی منطقه که اسلام نیاورده‌اند. این مسئله به‌همراه پرهیز از بدگویان و سخن‌چینان و رازداری و پنهان‌داشتن اسرار مهم‌ترین راهکارهای حفاظت اطلاعاتی امام (علیه السلام) برای او بود (شهید ثانی، ۱۳۹۰: ق: ۸۷؛ بروجردی، ج ۲۲، ۱۴۲۲: ۶۰۹). چنان‌که بیان شد یکی از مجوزهای نفوذ برای محافظت از جان شیعیان بود. امنیت شیعیان چنان برای حضرت مهم بود که طبق روایتی، وقتی به ایشان خبر دادند مأموران حکومت عباسی زنی را در کوفه به‌خاطر افشاگری علیه حکومت نزد حاکم شهر بردند و جان وی

۱. شهید ثانی این نامه را در کتاب کشف الریبه با ذکر سند نقل کرده است (نک: ذاکری، ۱۳۹۸: ۱۲۸ و ۱۳۱).

در خطر افتاده است، حضرت یکی از نیروهای شیعه را به عمارت حاکم فرستادند تا از درون قصر خبری آورد و برای رهایی او کاری کند. جالب آنکه حاکم کوفه پس از مدتی از بازداشت زن دست کشید و دستور آزادی وی را صادر کرد (مجلسی، ج ۴۷، ۱۴۰۳ ق: ۳۷۸ تا ۳۸۰). این روایت حاکی از توجه امام به حفاظت شیعیان و بهره‌گیری از اخبار و اطلاعاتی است که نیروهای نفوذی حضرت به ایشان می‌رساندند.

بنابراین، امام صادق (علیه السلام) به استفاده از اخبار اطلاعاتی عناصر نفوذی خود اهتمام ویژه داشتند. البته حضرت در نحوه استفاده از عناصر اطلاعاتی و تجزیه و تحلیل اخبار واصله از آن‌ها هم اصول و قواعدی داشتند. ایشان در استفاده از اطلاعات و اخبار بسیار حساس بودند و به سنجش، ارزشیابی، تجزیه و تحلیل اطلاعات توجه ویژه‌ای داشتند. مبنای ایشان اخذ خبر از افراد مؤمن (نه صرفاً شیعه) بود و به خبر افراد بی‌دین، فاسق، منافق، سخن‌چین، دروغ‌گو، ترسو و خائن ترتیب اثر نمی‌دادند^۱ (نک: العاملی، ج ۳، ۱۳۷۹: ۱۳۸ تا ۱۴۷). ایشان درباره درستی اخبار تحقیق می‌کردند و از اطلاعات استفاده نمی‌کردند تا آن‌ها را تجزیه و تحلیل کنند. رأی و نظر هر کس را نیز مبتنی بر شخصیت او تجزیه و تحلیل می‌کردند.

۲. اشراف بر روحيات و نگرش‌های خليفه

یکی از ویژگی‌های اشراف اطلاعاتی امام جعفر صادق (علیه السلام) تمرکز بر روحيات و خلق و خوی خلفاست. رفتارها و اقدامات آن حضرت بر اساس چنین اشراف اطلاعاتی به صورت هوشمندانه تنظیم می‌شد. برای مثال، ایشان گاهی با هدیه‌ای که مناسب روحیه شهرت‌طلبی منصور بود، او را تحت تأثیر قرار می‌دادند و از این طریق از شدت عمل منصور می‌کاستند. طبق نقلی، امام (علیه السلام) با قرائت چند حدیث درباره فضیلت و آثار دنیوی و اخروی صله رحم توانستند منصور را تحت تأثیر قرار داده و او را از انجام تهدیدات خطرناک بازدارند (نوری، ج ۱۵، ۱۴۰۸ ق: ۲۴۱). نقل‌های دیگری نیز وجود دارد که حکایت از برخورد تند امام (علیه السلام) با توطئه‌های منصور دارد که راهبردی کاملاً متفاوت با مواضع قبلی است. یکی از این موارد، پاسخ تند امام (علیه السلام) به منصور در زمان‌هایی است که حضرت را به دربار فرامی‌خواند و حضرت سر باز می‌زدند و منصور به امام (علیه السلام) معترض می‌شد. روزی منصور به حضرت گفت: چرا مانند دیگران به دیدار او نمی‌رود؟ امام ضمن بی‌ارزش دانستن

۱. به نظر می‌رسد این اصل مهمی است که باید در نهادهای حفاظتی و امنیتی مبنا قرار گیرد.

مقام دنیوی منصور، پاسخ دادند: «ما کاری نکرده‌ایم که از تو بترسیم» (مجلسی، ج ۴۷، ۴۰۳:ق: ۱۸۴). امام صادق (علیه السلام) با این شیوه‌های رفتاری موفق شدند در دوران اختناق عباسیان ۱۶ سال امامت خود را تداوم دهند و طرح آنان را ناکام نمایند.

۳. اشراف اطلاعاتی بر جاسوسان خلفا

یکی از ویژگی‌های سیره اطلاعاتی امام صادق (علیه السلام) اشراف اطلاعاتی ایشان بر جاسوسان و نفوذی‌های دستگاه خلافت بوده است.

یکی از این نمونه‌ها، روایت مهاجر بن عمار خزاعی است که می‌گوید: «منصور دوانیقی مرا با مال زیادی به مدینه فرستاد و به من مأموریت داد از اهل بیت رسول خدا (ص) جاسوسی کنم. به مدینه رفتم و در یک گوشه مسجد نشستم و شب و روز، هنگام نماز آنجا بودم و به کسانی که اطراف قبر بودند، پول‌ها را دادم تا به جوان و پیری از اولاد حسن (علیه السلام) رسیدم و با آن‌ها الفت گرفتم. هر وقت به جعفر صادق (علیه السلام) نزدیک می‌شدم، مرا ملاطفت می‌نمود و گرمی می‌داشت تا اینکه روزی از روزها، بعد از اینکه از اولاد حسن (علیه السلام) به آنچه می‌خواستم رسیدم، به صادق (علیه السلام) نزدیک شدم و او در حال نماز بود. نمازش که تمام شد، رو به من کرد و فرمود: (بیا ای مهاجر.) در حالی که اصلاً من اسم و کنیه‌ام را به کسی نگفته بودم. بعد فرمود: به سرورت بگو، جعفر به تو می‌گوید: اهل بیت تو به غیر از این کار، بیشتر به تو محتاج هستند. نزد مردم جوان و نیازمند می‌آیی و به آن‌ها نیرنگ می‌زنی، شاید یکی از آن‌ها چیزی بگوید که باعث ریختن خونس شود، اگر نیکی و صلح نمایی و به آنان برسی و غنی سازی، به آن محتاج‌تر هستند از آنچه که می‌خواهی. مهاجر می‌گوید: وقتی نزد منصور دوانیقی آمدم، گفتم: از نزد ساحری می‌آیم! و او این‌گونه گفت. منصور گفت: به خدا سوگند، راست گفته است. آنان به غیر از این، نیازمندتر هستند؛ ولی نباید این سخن را کسی از تو بشنود» (راوندی، ۱۴۰۹:ق: ۴۶۳ و ۴۶۴).

۴. اشراف اطلاعاتی از طریق شبکه وکالت

به تعبیر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، امام صادق (علیه السلام) «مرد تشکیلات» بود (خامنه‌ای، ۱۳۹۳: ۳۱۰). یکی از تشکیلات مهمی که امام صادق (علیه السلام) راه انداخت، شبکه وکالت بود؛ به طوری که از این زمان سیستم وکالت به مهم‌ترین شبکه اطلاعاتی و امنیتی و به‌عنوان یکی

از پایه‌های اصلی اشراف اطلاعاتی اهل بیت (علیهم السلام) درآمد. امام صادق (علیه السلام) از طریق شبکه وکالت نه تنها اخبار محرمانه را از شیعیان خود دریافت می‌کردند، بلکه ردی از ارتباط خود با شیعیان در اقصی نقاط عالم نمی‌گذاشتند و بدین ترتیب بسیاری از تهدیدهای دشمنان را خنثی می‌نمودند.

توسعه تشیع در زمان امام صادق (علیه السلام) سبب شد تا نیاز به شبکه‌ای کارآمد برای کنترل ارتباط میان شیعیان و امام (علیه السلام) پدید آید. بر همین اساس، شبکه وکالت در سیستم امنیتی و حفاظتی شیعه پدید آمد. قرآینی از گسترش نسبی شیعه در عصر امام صادق (علیه السلام) و تعدد مناطق شیعه‌نشین در عالم اسلامی آن روزگار حکایت دارد. در این عصر، با توجه به نصوص تاریخی و روایی، به‌طور قطع می‌توان مدعی وجود شیعیانی در مناطق مدینه و عراق (به‌ویژه کوفه و بغداد) و ایران (به‌ویژه قم و مناطق جبال و خراسان) و یمن و مصر و سایر مناطق شد. با توجه به بُعد مسافت بین مناطق شیعه‌نشین و مراکز استقرار ائمه (علیهم السلام) و عدم امکان سفر برای همه شیعیان به‌منظور ملاقات با امام معصوم، ضرورت تعیین و نصب نماینده‌ای از سوی ائمه اطهار و ارسال آنان به مناطق دوردست، برای ایجاد ارتباط با شیعیان و جمع‌آوری وجوه شرعی و پاسخ‌دهی به مشکلات دینی به‌خوبی قابل درک و تبیین می‌گردد (جباری، ج ۱، ۱۳۸۲: ۴۸). هر یک از وکلا به تعدادی از شیعیان مرتبط می‌شد و اخبار دقیقی از آن‌ها دریافت می‌کرد. رسیدن این اخبار به امام (علیه السلام) نیز بسیار مخفیانه بود. نصر بن قابوس لخمی مدت بیست سال مخفیانه وکالت امام صادق (علیه السلام) را انجام داد و کسی بر این امر واقف نشد (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۴۸). این عده به‌عنوان نیروهای ویژه امام (علیه السلام) به‌شمار می‌رفتند. هرچند تعدادی از آن‌ها مانند مُعلی بن خُنَیس^۱ به شهادت رسیدند؛ آن‌هایی که توانستند دوران ائمه بعدی را درک نمایند به نیروهای نخبه‌ای در عملیات اطلاعاتی و اشراف اطلاعاتی ائمه (علیهم السلام) تبدیل شدند؛ از جمله این نیروهای نخبه حمران بن أعین، مُفضَّل بن عمر جُعفی، نصر بن قابوس لخمی و عبدالرحمن بن الحجاج بودند (جباری، ۱۳۸۲: ۶۲). هرچند نصوص تاریخی و روایی، ما را در معرفی کامل و دقیق وکلای ارسالی

۱. معلی بن خنيس از شیعیان خاص امام جعفر صادق (علیه السلام) و متصدی امور مالی حضرت بود که در نهایت به دستور حاکم مدینه (داوود بن علی عباسی، عموی سفاک) در سال ۱۳۳ هجری در مدینه کشته شد. او بنده بنی‌اسد و سپس بنده امام صادق شده و در مدینه، دور از زن و فرزندش می‌زیست و شغلش نیز بزازی بود (شیخ طوسی، ج ۲، ۱۴۰۶: ق: ۶۷۵ تا ۶۷۹).

به نواحی شیعه‌نشین در دوره آغاز فعالیت سازمان وکالت، چندان یاری نمی‌دهند،^۱ در مجموع، قراین موجود حاکی از تعدد وکلای آن حضرت و کثرت اموال و وجوه شرعی است که توسط آنان جمع‌آوری می‌شد. وجود وکلای متعدد برای امام صادق (علیه السلام) در این عصر، مؤید وجود تشکیلات منسجم وکالت است (جباری، ۱۳۸۲: ۶۳). انتخاب وکلا تابعی از شرایط حساس آن دوره و از میان شیعیان خاص بود. گاه ممکن بود نشت اطلاعاتی سهوی یا عمدی صورت پذیرد؛ اما روند کلی، مخفی‌بودن سازمان وکلا بود.

با این حال، تلاش‌های منصور برای آگاهی بر سیستم وکالت، منجر به شهادت معلی بن خنیس به دست حاکم مدینه، داوود بن علی، شد. از اخبار استفاده می‌شود که معلی بن خنیس جزو محرمان اسرار امام صادق (علیه السلام) بوده است. داوود بن علی عباسی او را گرفته به زندان افکند و از او خواست که نام شیعیان و پیروان امام صادق (علیه السلام) را فاش کند.^۲ ولی معلی کتمان کرد و نپذیرفت و در پاسخ تهدید قتل داوود بن علی گفت: اگر در زیر پایم باشند تو را از نامشان آگاه نکنم^۳ (طبری، ۱۴۱۳ق: ۲۵۷). پس داوود بن علی دستور داد گردنش را زدند و به دارش آویختند (کلینی، ج ۲، ۱۴۰۷ق: ۵۵۷). این امر برای امام (علیه السلام) به شدت گران آمد و با موضع‌گیری شدید و قاطع در برابر وی، او را مؤاخذه کردند. سرانجام داوود بن علی بر اثر نفرین امام (علیه السلام) به هلاکت رسید و خطر جدی دیگری از وکلا و اصحاب آن حضرت دفع شد (جباری، ج ۱، ۱۳۸۲: ۲۱۸). احتمال دارد که داوود بن علی از سایر وکلا نیز اطلاعاتی داشته یا در نظر داشته تعداد دیگری را شکنجه کرده و به قتل برساند؛ از این رو، اقدام امام (علیه السلام) واکنشی برای جلوگیری از درز بیشتر اخبار سازمان وکالت بود.

۱. شیخ طوسی در الغیبه تعدادی از وکلای امام صادق (علیه السلام) را برشمرده است (طوسی، ۱۴۱۱ق، ۲۰).
 ۲. پیش از حکومت بنی‌عباس و هم‌زمان با ظهور سیاه‌جامگان تعدادی از شیعیان کوفه نامه‌ای برای به‌دست‌گرفتن رهبری قیام به حضرت صادق (علیه السلام) نوشته بودند، که البته حضرت نپذیرفت (کلینی، ج ۸، ۱۴۰۷ق: ۳۳۱).
 داوود بن علی می‌خواست معلی اسامی آن‌ها را به او بگوید تا آنان را دستگیر و مجازات نماید یا به‌عنوان افراد نفوذی در دستگاه حکومت جدید عباسی، آنان را شناسایی کند.

۳. این مقاومت معلی نشانگر دقت امام صادق (علیه السلام) در انتخاب وکلا و تأکیدی بر لزوم مجهز بودن عناصر اطلاعاتی و امنیتی به صفت شجاعت و سرسختی در برابر فشارها، تهدیدات و خطرات هولناک این حوزه است (العاملی، ج ۳، ۱۳۷۹: ۲۳۶).

نتیجه گیری

چنان که بیان شد، امام صادق (علیه السلام) به شدت در معرض تهدید از سوی دستگاه اطلاعاتی و جاسوسان و عوامل نفوذی دستگاه خلفا بودند و برای مقابله با این امر، به اشراف اطلاعاتی بیش از پیش اهتمام می‌ورزیدند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد امام صادق (علیه السلام) به دو روش تدافعی و تهاجمی بر دشمن اشراف اطلاعاتی می‌یافتند که در جدول ذیل آمده است.

۶۷

الگوی اشراف اطلاعاتی امام صادق	
روش تهاجمی	روش تدافعی
نفوذ در دستگاه خلافت عباسی	اشراف اطلاعاتی از گستره یاران و شیعیان خود
اشراف بر روحیات و خلق و خوی خلفا	کتمان اطلاعات برای حفاظت شیعیان
اشراف اطلاعاتی بر جاسوسان خلفا	بکارگیری تقيه برای پیشگیری از نشت اطلاعاتی و نفوذ دشمن
اشراف اطلاعاتی از طریق شبکه و کالت	

امام صادق (علیه السلام) برای اشراف اطلاعاتی بر دشمن اصول و قواعدی را نیز رعایت می‌کردند که عبارت‌اند از:

اخذ خبر از افراد مؤمن و صالح؛

پرهیز از ارتباط با افراد فاسق، منافق، سخن‌چین، دروغ‌گو، ترسو و خائن و بی‌اعتمادی به خبر و اطلاعات آنان؛

جمع‌آوری اطلاعات از شیوه‌های گوناگون و گزینش، دسته‌بندی و تحلیل اخبار و اطلاعات؛
ایجاد تشکیلات اطلاعاتی و مدیریت آن؛

تبیین شرایط و خصوصیات نیروهای حفاظتی و اطلاعاتی در قالب احادیث متعدد به شیعیان؛
گزینش دقیق نیروهای اطلاعاتی و پرهیز از ورود افراد نالایق؛

نظارت دقیق و کامل بر عناصر اطلاعاتی و آگاهی و تذکر مداوم به نیروها؛

دقت در ارتباطات؛

رعایت حفاظت گفتار، رازداری و حفظ اسرار؛

آگاهسازی شیعیان از خطرات دشمن به گونه‌های مختلف؛

رصد مداوم رفتارهای دشمن؛

هوشیاری و مراقبت فراوان نسبت به نفوذ دشمن؛

فریب اطلاعاتی دشمن.

منابع و ماخذ

۱. ابن شهر آشوب، رشیدالدین محمد بن علی، ۱۳۷۹ق، مناقب آل ابی طالب (علیهم السلام)، قم: علامه.
۲. ابن طاووس، علی بن موسی، ۱۳۸۰، مهج الدعوات و منهج العنايات، تهران: آفاق.
- ابن طقطقی، محمد بن علی بن طباطبا، ۱۳۷۶، تاریخ فخری: در آداب ملک‌داری و دولت‌های اسلامی، ترجمه محمودحید گلپایگانی، تهران: علمی فرهنگی.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۰۵ق، لسان العرب، قم: ادب حوزه.
۴. ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله، ۱۴۰۹ق، حلیه الاولیاء، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۵. اشعری قمی، احمد بن محمد بن عیسی، ۱۴۰۸ق، النوادر، قم: مدرسه الإمام المهدی (عج).
۶. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، ۱۳۷۴، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: بعثه.
۷. برقی، احمد بن محمد بن خالد، ۱۳۷۰ق، المحاسن، به تصحیح محدث ارموی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۸. بروجردی، آقا حسین، ۱۴۲۲ق، جامع احادیث الشیعہ، قم: المهر.
۹. جباری، محمدرضا، ۱۳۸۲، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه (علیهم السلام)، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
۱۰. جعفریان، رسول، ۱۳۹۱، حیات فکری سیاسی امامان شیعه، قم: علم.
۱۱. جمالی، جواد، ۱۳۸۹، «ابعاد و سطوح اشراف اطلاعاتی»، مجموعه مقالات اجلاس اشراف اطلاعاتی، تهران: دانشکده و پژوهشکده اطلاعات و امنیت، دانشگاه امام حسین (علیه السلام).
۱۲. جمشیدیان، هادی، ۱۳۸۹، «مفهوم اشراف اطلاعاتی و راهکارهای تحقق آن»، مجموعه مقالات اجلاس اشراف اطلاعاتی، تهران: دانشکده و پژوهشکده اطلاعات و امنیت، دانشگاه امام حسین (علیه السلام).
۱۳. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، بی تا، کشف الظنون، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۴. حر عاملی، محمد بن حسن، بی تا، وسائل الشیعہ، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۵. حیدر، اسد، ۱۳۹۲، امام صادق (علیه السلام) و مذاهب اهل سنت، ترجمه محمدحسین سرانجام، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
۱۶. حیدر، اسد، ۱۳۶۹، امام صادق (علیه السلام) و مذاهب چهارگانه، ترجمه حسن یوسفی اشکوری، تهران: انتشار.
۱۷. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۳، انسان ۲۵۰ ساله: بیانات مقام معظم رهبری درباره زندگی

- سیاسی مبارزاتی ائمه معصومین (علیهم السلام)، تهران: ایمان جهادی.
۱۸. خوئی، ابوالقاسم، ۱۳۷۷، مصباح الفقاهه، قم: داوری.
۱۹. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۲، لغت نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
۲۰. ذاکری خمی، علی اکبر، ۱۳۹۶، «سیره اشراف اطلاعاتی امیرالمؤمنین (علیه السلام) در کشف توطئه‌ها»، فصلنامه سیاست متعالیه، ۵ (۱۸): ص ۲۷ تا ۴۸.
۲۱. ذاکری، علی اکبر، ۱۳۹۸، سیره سیاسی معصومان در کتاب‌های چهارگانه شیعه، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۲. راوندی، قطب‌الدین، ۱۴۰۹ق، الخرائج و الجرائح، قم: مؤسسه الامام المهدی (عج).
۲۳. شبیدینی، محمد و همکاران، ۱۳۹۲، سیره حفاظتی و اطلاعاتی امامان معصوم (علیهم السلام)، قم: زمزم هدایت.
۲۴. شعیری، محمد بن محمد، بی تا، جامع الأخبار، نجف: حیدریه.
۲۵. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، ۱۴۰۲، الملل و النحل، به تحقیق محمد سید کیلانی، بیروت: دارالمعرفه.
۲۶. شهید ثانی، زین‌الدین جبعی، ۱۳۹۰ق، کشف الریبه، دارالمرتضوی.
۲۷. صادقی، مصطفی، ۱۳۹۰، دولتمردان شیعه در دستگاه خلافت عباسی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۸. صادقی، مصطفی، ۱۳۹۵، «سیره اطلاعاتی و ضداطلاعاتی ائمه معصومین (علیهم السلام)»، فصلنامه سیاست متعالیه، ۴ (۱۳)، ص ۴۵ تا ۶۲.
۲۸. طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۳۶۴، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین.
۲۹. طبرسی، علی بن حسن، ۱۳۸۵ق، مشکاه الأنوار فی غرر الأخبار، نجف: الحیدریه.
۳۰. طبری، محمد بن جریر بن رستم، ۱۴۱۳، دلائل الامامه، قم: البعثه.
۳۱. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، بی تا، المنتخب من ذیل المذیل من تاریخ الصحابه و التابعین، به تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: دارالمعارف.
۳۲. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۶، اختیار معرفه الرجال المعروف برجال الکشی، به تصحیح میرداماد استرآبادی و به تحقیق سید مهدی الرجالی، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.

۳۳. طوسی، محمد بن الحسن، ۱۴۱۱، کتاب الغیبه للحجه، قم: دارالمعارف الإسلامیه.
۳۴. العاملی، علی دهموش، ۱۳۷۹ق، دائرةالمعارف اطلاعات و امنیت در آثار و متون اسلامی، ترجمه غلامحسین باقری مهباری و رضا گرمابداری، تهران: دانشگاه امام حسین (علیه السلام).
۳۵. عباسزاده، مهدی؛ رجبی دوانی، محمدحسین، ۱۳۹۳، «مؤلفه‌ها و شاخص‌های حفاظتی و اطلاعاتی با الگوگیری از سیره امام هادی (علیه السلام)»، فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی امنیتی، ۳ (۱۰): ص ۱ تا ۳۰.
۳۶. عزیزان، مهدی و همکاران، ۱۳۹۴، امنیت در قرآن و سنت، قم: زمزم هدایت.
۳۷. فیض کاشانی، محمدحسین بن شاه مرتضی، ۱۴۰۹، الوافی، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام).
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷، الکافی (اصول؛ فروع؛ الروضه)، به تحقیق علی اکبر غفاری، چ ۴، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۳۹. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۰. محرمی، غلامحسین، ۱۳۹۶، سیره اطلاعاتی امام صادق (علیه السلام)، تهران: دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی.
۴۱. مدرسی، محمدتقی، ۱۳۷۸، امامان شیعه و جنبش‌های مکتبی، ترجمه حمیدرضا آژیر، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۴۲. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۹، سیری در سیره نبوی، تهران: صدرا.
۴۳. مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳، الإختصاص، به تصحیح علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی، قم: المؤتمر العالمی لالقیة الشیخ المفید.
۴۴. ملک‌زاده، محمد، ۱۳۹۲، سیره سیاسی معصومان در عصر حاکمیت جور، تهران: فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۴۵. نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی، ۱۳۶۹، رجال النجاشی، قم: مؤسسه نشر اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۶. نوری، حسین بن محمد، ۱۴۰۸، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل‌البتیت (علیهم السلام).
۴۷. هدایتی، علی رضا، ۱۳۹۴، کتاب‌شناسی اطلاعات و امنیت در اسلام، ج ۲، تهران: دانشکده اطلاعات.

